



نقش دولت در توسعه پایدار کشاورزی با رویکرد کارآفرینی

نادر نادری^۱، سحر رستمی^۲

۱- استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش دولت در توسعه پایدار کشاورزی با رویکرد کارآفرینی می باشد. امروزه با توجه به اهمیت بالای توسعه پایدار کشاورزی، در دستیابی به اهداف محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی، بایستی کارآفرینان در جهت کشاورزی پایدار گام بردارند و این امر مستلزم همکاری بین بخش های خصوصی و سازمانهای دولتی می باشد. در این میان سازمانهای دولتی می توانند نقش موثری را ایفا کنند که در این راستا باید توجه به محیط زیست را در اولویت کار خود قرار دهند چون بدون حمایت و حفاظت از محیط زیست دسترسی به توسعه پایدار غیرممکن بوده است.



مقدمه

در عصر کنونی، توسعه روستایی جایگاه ویژه‌ای در تداوم حیات اقتصادی ملت‌ها دارد و به ویژه در کشورهای غیر صنعتی، محور برنامه‌های توسعه اقتصاد ملی به شمار می‌رود (نجفی و صفا، ۱۳۹۲: ۶۲). از طرفی، شرایط محیطی و انسانی حاکم بر روستاها به گونه‌ای است که آنان را در انزوا قرار داده و باعث شده از فعالیت‌های مربوط به توسعه بهره‌ی کمتری ببرند (لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در واقع توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعددی مواجه است. چرا که، راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی کاملاً موفقیت‌آمیز نبوده‌اند و سبب ایجاد مشکلات متعدد روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و...، در این کشورها شده است (Abotaleb, 2008: 145). از سوی دیگر، روستاها به علت داشتن منابع طبیعی و انسانی بی‌شمار می‌توانند زمینه‌ساز ظهور بسیاری از حرفه‌های نو و کارآفرینانه گردند چرا که این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌شوند (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۶۲). از این رو برای غلبه بر مسائل اقتصادی-اجتماعی پیش روی جوامع روستایی در چند دهه اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای مهم توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته است. لذا کارآفرینی می‌تواند از یک سو به راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار باشد، و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم کند و از طرف دیگر، یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخشهای کشاورزی و غیر کشاورزی محسوب می‌گردد. از دهه ۱۹۷۰ توسعه پایدار به عنوان یک هدف اجتماعی وسیع با تمرکز بر ضرورت تلفیق و پیگیری رفاه انسانی همراه با توقف تخریب محیط زیست مطرح شده است. بحث اصلی توسعه پایدار این است که منابع طبیعی محدود است و تأمین رفاه انسانی باید در قالب این محدودیت‌ها صورت گیرد. هر چند بهره‌برداری از منابع تجدیدپذیر در توسعه پایدار محدود نشده است اما بهره‌برداری از منابع غیرقابل تجدید باید به نحوی کاهش یابد که سهم نسل آینده را حفظ کند. این جنبه‌های بین‌نسلی توسعه پایدار باعث پیوند اهداف اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی شده و چالش‌های مختلفی را ایجاد کرده است. در واقع در فرآیند توسعه پایدار کسب و کارها باید برای اهداف محیط زیستی و اجتماعی در مقابل اهداف اقتصادی اهمیت یکسانی قائل شوند. هر چند پیش از این اقتصاد و محیط زیست به عنوان دو جنبه‌ای رقابت‌کننده با یکدیگر شناخته می‌شدند به نحوی رشد اقتصادی بدون تخریب محیط زیست امکان‌پذیر نبود اما در قالب توسعه پایدار فرصت‌های اقتصادی باید به نحوی سازگار با دو هدف دیگر توسعه یابد بنگاه‌ها و شرکت‌ها باید به شیوه‌ای منابع را استفاده کنند که علاوه بر این که رفاه نسل حاضر را تضمین کنند فرصت‌های نسل آینده را محدود نسازند. در پاسخ به این چالش‌ها بود که کارآفرینان در پی ارائه نوآوری‌هایی برآمدند که محصولات و خدمات پایدارتری را تولید کند و زمینه نوآوری‌های جهت حفاظت محیط زیست و کارآفرینی پایدار شکل گرفت (عبدالله زاده و شریف زاده، ۱۳۹۳: ۴۰). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار است و کشاورزی به عنوان



بخش بزرگ اقتصادی و تأمین امنیت غذایی در کشور ما اهمیت ویژه‌ای دارد و رویکرد کشاورزی پایدار می‌تواند در حل مشکلات کشاورزی و ایجاد پایداری بلندمدت و حل معضلات فعلی نقش مهمی ایفا کند. در کشور ایران، در زمینه تحقق توسعه پایدار کشاورزی اقداماتی صورت گرفته است؛ ولی این اقدامات بسیار اندک و با آنچه که باید باشد، فاصله زیادی دارد. هر چند، وزارت جهاد کشاورزی خدمات فراوانی را در قالب‌های مختلف انجام داده است؛ ولی ساختار منابع انسانی، فیزیکی و مالی آن وارداتی بوده؛ به عبارتی، بومی و سازگار با شرایط و زمینه‌های کشور نبوده است. بنابراین یکی از ضرورت‌های قطعی توسعه پایدار در هزاره سوم میلادی، مشارکت متوازن و هماهنگ بین سه رکن دولت (حاکمیت)، بخش خصوصی و جامعه مدنی در اداره جوامع و کشورهاست، باید جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی به دنبال راهکاری برای مشارکت و همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی بود. به این منظور، برای بهبود وضعیت موجود و افزایش بهره‌وری جهت تحقق توسعه پایدار کشاورزی، در وهله اول نیاز به بازتعریف رابطه و پیوند بین بخش‌های دولتی و خصوصی است تا مشارکت و همکاری را بین کلیه افراد و گروه‌های مدنظر، از سطح محلی تا ملی وجود داشته باشد؛ چرا که توسعه پایدار به‌خصوص، در بخش کشاورزی زمانی اتفاق می‌افتد که مشارکت و همکاری به وجود بیاید؛ به عبارتی، در صورت وجود مشارکت و همکاری بهتر، می‌توان بسترهای توسعه پایدار را فراهم کرد.

مروری بر ادبیات تحقیق

کارآفرینی کشاورزی

تغییرات بازار، سیاست‌های کشاورزی، مباحث زیست محیطی و اشتغال از عواملی هستند که ضرورت کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می‌کند (خسروی پور و دهقان پور، ۱۳۹۴: ۶۷). کشاورزان موفق و کارآفرین، با یک شیوه‌ی آینده‌نگری خاص و با در نظر گرفتن منابع و محدودیت‌های محیطی، عبرت گرفتن از گذشته خود و دیگران، متناسب با دانش بومی و نوین، با شخصیتی تحول‌پذیر به همراه قدرت ریسک، نوآوری و خلاقیتی بالا، بهترین و آخرین موقعیت‌های اقتصادی و بازار را شناسایی و ارزیابی کرده و براساس نبوغ خود و با راهنمایی‌های بیرونی و رعایت حقوق مکانی، فضایی و انسانی به بهره‌گیری عقلانی، شایسته و اقتصادی از فرصت‌های بالقوه و بالفعل کشاورزی می‌پردازند. می‌توان گفت که کارآفرینی کشاورزی یعنی فرایند شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، و نقاط قوت و ضعف محیط-های فعالیت با روش شناسی و سیاست‌گزینی خاص و جدید برای ایجاد تحول و دگرگونی در کشاورزی است این تحول با ارائه تفکر، روش و تدبیری نو برای حل مشکلات گذشته و کنونی کشاورزی همراه است، که حاصل همکاری بین عوامل اصلی کشاورزی (فعالان بخش کشاورزی) و عوامل بیرونی (برنامه‌ریزان، مدیران و مسئولان) با در نظر گرفتن شرایط و تحولات جهانی، فناوری نوین، فرهنگ روستایی، و محدودیت‌های زیست محیطی در راستای دستیابی به الگوهای نو در کشاورزی برای بالا بردن بهره‌وری و کارایی و دستیابی به بازارهای نو در مقیاس‌های بزرگ‌تر است. در کل، چنین فرایندی به بهبود وضع اقتصادی روستاییان و به‌ویژه کشاورزان می‌انجامد. بنابراین، کارآفرینی کشاورزی شیوه‌ای جدید در بخش کشاورزی برای افزایش و خلق درآمد و ثروت و نیز ایجاد اشتغال است (رکن‌الدین



افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۷). ورتمن در سال ۱۹۹۰، اشاره می کند که توسعه اقتصادی و کارآفرینی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. چنانچه در گزارش سالانه بخش مدیریت صنایع تجاری کوچک آمریکا نیز آمده است، دو سوم شغل های ایجاد شده در طول سال توسط کارآفرینان بوده است. بنابراین، توسعه روستایی و توسعه اقتصادی روستا ارتباط تنگاتنگی با کارآفرینی روستایی دارند (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸).

در کشورهای در حال توسعه کشاورز ضعیف ترین مأمور تولید در کشور است، او فاقد توانمندی های حرفه ای و حمایت های لازم از طرف دولت و سازمان های محلی و ملی است تا در نقش یک کارآفرین پویا عمل کند. با وجودی که زمین یک منبع غنی در این کشورها بوده و دارای پتانسیل های مناسبی جهت کارآفرینی می باشد، اما هنوز هم کشاورزان فقیر و ضعیف هستند. از میان برداشتن موانعی چون واسطه ها، عدم درک متقابل کشاورزان و مروجان، گرانی نهاده های تولید و اعمال سیاست های حمایتی مانند اعطای تسهیلات کم بهره و بلند مدت، بیمه محصولات کشاورزی، آموزش کشاورزان، حمایت از طرح های خلاقانه و مفید و دیگر راه کارهای سودمند در زمینه بالا بردن سطح رفاه کشاورزان، می تواند این کارآفرینان بالقوه را در توسعه کارآفرینی یاری نماید و جذب نیروهای مستعد به سمت فعالیت های کشاورزی را سرعت بخشد (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۶۹). از جمله سیاست ها و راهکارهای مهمی که می توانند در فرایند کارآفرینی کشاورزی، شکل مؤثری داشته باشند و منجر به توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی شوند، عبارت اند از ۱- توسعه زیرساخت های اجتماعی؛ ۲- انجام توأم تحقیق و توسعه؛ ۳- افزایش کیفیت نیروی انسانی؛ ۴- افزایش کیفیت مدیریت؛ ۵- توسعه آموزش (با تحریک انگیزه ها، پرورش ویژگی ها و آموزش مهارت ها)؛ و ۶- توسعه فناوری. باید گفت که خلق کسب و کارهای جدید در قلمرو کشاورزی و روستایی به واسطه محیط (اکولوژی) مناسبی از قبیل کمک های مالیاتی، اعطای زمین، تسهیلات بانکی و غیره امکان پذیر است (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۷۲).

سیاست گزاران، برنامه ریزان و متخصصان بخش کشاورزی معتقد هستند که به خاطر مشکلات و تحولات، یک دگرگونی ساختاری در شیوه های کنونی تولید کشاورزی لازم بوده و کشاورزی مبتنی بر بازار در چارچوب توسعه پایدار، راهبرد اساسی توسعه کشاورزی خواهد بود. در این نوع کشاورزی، کشاورز باید به نحوی تولید کند که بتواند تولیدات خود را در بازار رقابتی که مبتنی بر خواسته های مشتری است، به فروش برساند. به این منظور کشاورز باید فرصت شناس بوده و نیازهای مشتری را به درستی شناسایی نماید و سپس راهبرد لازم در جهت برآوردن این نیازها را طراحی و اجرا نماید. به عبارت دیگر، کشاورز امروز باید یک کارآفرین باشد. تغییرات صورت گرفته در بازار (جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، امنیت غذایی، رقابتی شدن بازار)، سیاست های کشاورزی (حرکت به سوی کشاورزی تجاری مبتنی بر بازار) و خود جامعه (افزایش بیکاری و کم کاری، مباحث زیست محیطی، تنوع زیستی، منابع طبیعی) از عواملی هستند که به ضرورت کارآفرینی در کشاورزی را بیش از پیش نمایان می سازد (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۷۶). در خصوص ضرورت توجه به کارآفرینی کشاورزی این نکته حائز اهمیت است که شکاف وسیعی بین مناطق روستایی و شهری در کشورهای در حال توسعه و غلبه صنعت بر کشاورزی و سیاستهای توسعه به سوی صنعتی شدن، به همراه ویژگی های اقتصادی و اجتماعی جوامع کشاورزی سبب



شده است تا کارآفرینی کشاورزی و توجه به عوامل زیست محیطی رشد کمتری داشته باشد، با این حال، هنوز منابع غنی، پتانسیل های مناسب و قابلیت های فراوانی جهت کارآفرینی کشاورزی در این مناطق وجود دارد. امروزه به علت تغییرات متعدد از جمله توسعه بازار، جهانی شدن، رشد جمعیت، دگرگونی در بازار کار کشاورزی، آلودگی محیط زیست، عدم پایداری و ... بخش کشاورزی کشورها را تحت تأثیر قرار داده است که رویارویی با این مشکلات نیازمند استفاده از کارآفرینی در کشاورزی و بهره گیری از مبانی توسعه پایدار و در نهایت رسیدن به کارآفرینی پایدار کشاورزی می باشد (سپه پناه و موحدی، ۱۳۹۴: ۲۶ و ۲۷)

توسعه روستایی

روستاها با توجه به نقش مهمی که در نظام تولید و اشتغال کشور دارند و همچنین با عنایت به حجم قابل توجهی از جمعیت که در خود جای داده اند در نظام برنامه ریزی کشور از جایگاه مهمی برخوردار است و از اجزاء و عناصر توسعه ملی به شمار می روند (سعیدی و رستگار، ۱۳۸۸: ۴۸). توسعه روستایی اصولاً به معنای تغییر شکل اساسی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی در روستا است که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه مردم روستا از مواهب آن بهره مند می شوند. برنامه های توسعه روستایی باید به مواردی همچون ایجاد اشتغال در بخش های کشاورزی و غیر کشاورزی، توسعه اجتماعی، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش سطح رفاه و آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر توجه داشته باشد. البته پایداری برنامه های توسعه روستایی زمانی است که خود مردم روستا با اتکا به خود، آن را اجرا نمایند امروزه توسعه روستاها در مقایسه با گذشته پیوند گسترده تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. در حال حاضر مؤسسات و اشخاص صاحب نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به عنوان شیوه ای مداخله جویانه در توسعه می دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع کند (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۶۵). یافته های علمی نشان می دهد با گسترش و توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، زمینه بهره مندی روستاییان از کالاها و خدمات رو به فزونی می گذارد و در نهایت، رشد اقتصادی و متعاقب آن توسعه روستایی محقق می شود (Bantel & Jackson, 2000).

در این میان، کشاورزی از بخش های پایه و اساسی اقتصاد روستا و کشور و زمینه ساز رشد و توسعه آن است. رشد و توسعه بخش کشاورزی زمینه های لازم برای رشد و توسعه دیگر بخش ها را فراهم می سازد و بدون آن، عوامل و نهاده های لازم برای فعالیت سایر بخش های اقتصادی فراهم نمی شود (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹) در اغلب مناطق روستایی جهان شغل اصلی روستائیان کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیر کشاورزی هم یافت می شوند، اما آن ها از لحاظ اقتصادی در درجه دوم اهمیت قرار دارند، حتی در برخی نقاط، کشاورزی جنبه کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۶۵). می توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت سازی در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر روستا، ایجاد فرصت های برابر اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و افزایش امنیت غذایی پایدار می باشد و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳: ۶۸). بنابراین، نیل به توسعه روستایی مستلزم مجموعه ای از زیرساخت ها



و پیش نیازهای اساسی به شرح زیر است: ۱. توسعه فرهنگ کارآفرینی، ۲. آموزش کارآفرینی، ۳. توسعه زیرساخت های کارآفرینی، ۴. حفظ و توسعه کسب و کارهای موجود از طریق سیاستهای حمایتی و حمایت از ایجاد کسب و کارهای جدید در مناطق روستایی (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸: ۵۳)

توسعه پایدار روستایی

امروزه بخش کشاورزی به منظور پاسخگویی به نیاز روز افزون غذا برای جمعیت رو به رشد کره زمین و فراهم کردن مواد غذایی کافی و مناسب، به میزان زیادی وابسته به مواد شیمیایی می باشد (هاتیرلی و همکاران، ۲۰۰۵). به گونه ای که با توسعه و گسترش علوم و فناوری های نوین همچون؛ مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، کاشت ارقام پرمحصول گونه های زراعی و باغی و استفاده بی رویه از کودها و آفت کش های شیمیایی باعث افزایش کمی تولیدات کشاورزی گردید و مشکل غذا را در بسیاری از کشورها بالاخص کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه حل نموده، اما همواره این افزایش تولید با مشکلات زیست محیطی متعددی مانند آلودگی منابع آب و خاک، بروز آفات و بیماری های جدید گیاهی، سوء تغذیه و بیماری در اثر کاهش کیفیت مواد غذایی رو به رو شده است. مجموعه این عوامل سبب گردید تا حفظ محیط زیست و امنیت و بهداشت غذایی به یکی از چالش های بشر در عصر حاضر تبدیل شود و جوامع بین المللی در پی یافتن راهبردهای مناسب برای حل این معضلات و دستیابی به نظام های کشاورزی پایدار باشند (پاپ زن و شیرینی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). در کشاورزی پایدار به جای استفاده از کودها و سموم شیمیایی، علف کش ها و هورمون ها از تناوب زراعی، بقایای گیاهی، کود سبز، کودهای آلی، مبارزه بیولوژیک با حشرات و ارقام مقاوم به آفات و بیماری ها استفاده می گردد، آن گاه می توان گفت که سیستم کشاورزی پایدار، مولد، تجدیدشونده، سودآور و خودکفاست و لطمه ای به محیط زیست وارد نخواهد ساخت. بر همین اساس فراهم نمودن امنیت غذایی همراه با کیفیت مناسب، حفاظت از آب، خاک و منابع طبیعی، تنوع زیستی، حفاظت از منابع انرژی در داخل و خارج مزرعه، حفظ و بهبود سودمندی مزرعه، قابل پذیرش بودن از سوی جامعه و بهبود کیفیت زندگی انسان و ایجاد درآمد مناسب و کافی برای کشاورزان از جمله اهداف برنامه کشاورزی پایدار است که باید برای اجرایی نمودن آنها، برنامه ها و اقدامات زیادی صورت گیرد. پس بنابراین کشاورزی پایدار باید از نظر اکولوژیکی، مناسب، از نظر اقتصادی توجیه پذیر و از نظر اجتماعی مطلوب باشد (پیشرو و عزیز، ۱۳۸۸: ۲).

در واقع در فرآیند توسعه پایدار کسب و کارها باید برای اهداف محیط زیستی واجتماعی در مقابل اهداف اقتصادی اهمیت یکسانی قائل شوند. هر چند پیش از این اقتصاد و محیط زیست به عنوان دو جنبه رقابت کننده با یکدیگر شناخته می شدند به نحوی رشد اقتصادی بدون تخریب محیط زیست امکان پذیر نبود اما در قالب توسعه پایدار فرصت های اقتصادی باید به نحوی سازگار با دو هدف دیگر توسعه یابد (عبدالله زاده و شریف زاده، ۱۳۹۳: ۴۰).



یک برنامه کشاورزی پایدار موفق در بر گیرنده هفت هدف است: فراهم کردن امنیت غذایی همراه با افزایش کمی و کیفی آن با در نظر گرفتن نیاز های نسل های بعدی؛ حفاظت از منابع آب، خاک و منابع طبیعی؛ حفاظت از منابع انرژی در داخل و خارج از مزرعه؛ حفظ و بهبود سود آوری کشاورزان؛ حفظ نیروی حیات جامعه روستایی؛ حفظ تنوع زیستی؛ قابلیت پذیرش از سوی جامعه؛ حذف ایجاد زیر ساخت های اجتماعی و اقتصادی پویا برای جوامع روستایی (ده یوری و حسینی، ۱۳۸۸: ۲).

در این بین، فناوری های کشاورزی علم محور که به وسیله پژوهش های کشاورزی توسعه یافته و با مداخله ترویج نشر می یابند، برای افزایش یا حفظ بهره وری و بهبود پایداری منابع طبیعی و محیط زیست و همچنین تقویت سرمایه های انسانی، اجتماعی و اقتصادی کنشگران عرصه توسعه کشاورزی، به ویژه کشاورزان، ضروری می باشند. به واقع، توسعه پایدار بخش کشاورزی توأم با لحاظ نمودن استلزامات دیدمان نوین توسعه با توجه به برنامه ریزی های صورت گرفته و چشم انداز توسعه ملی، ضرورتی انکارناپذیر است. این ضرورت ایجاب می نماید که بهره وری و رشد بخش کشاورزی به طور مستمر ارتقا یابد. این امر جز در پرتو توانمندسازی بهره برداران، بهینه سازی ترکیب منابع، توسعه فناوری های سازگار و فراهم سازی تسهیلات و زیرساخت های مورد نیاز محقق نخواهد شد (شریف زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

پیشینه تحقیق

در این جا نتایج برخی از مهم ترین مطالعات تجربی مرتبط انجام گرفته در داخل و خارج از کشور مرور می شود. سوزا و همکاران^۱ (۱۹۹۳)، در مطالعه ی "عوامل موثر بر پذیرش فعالیتهای کشاورزی پایدار" به بررسی رابطه متغیر پذیرش فعالیتهای کشاورزی پایدار توسط کشاورزان ویرجینیای غربی، در ایالات متحده با متغیرهای سن، سطح تحصیلات، مشارکت کشاورزان، فروش محصولات، برنامه های دولتی و بدهی های کشاورزی پرداخت. نتایج به دست آمده حاکی از این است که پذیرش فعالیتهای^۲ کشاورزی پایدار با میزان تحصیلات رابطه مثبت و معنی دار و با سن و مشارکت کشاورزان رابطه منفی و معنی داری دارد. کید^۳ (۲۰۰۶)، در مطالعه ی دیگری، نیازهای پایه ای کشاورزان برای توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی، سرمایه های مالی و اعتباری کافی، شرایط اقتصادی، دسترسی به خدمات حمایتی، مشتریان و افراد مورد نیاز و ... بیان کرده است که می توان چنین مطالعاتی را در حوزه رویکرد محیطی و اقتصادی به کارآفرینی کشاورزی دانست. تاتلیدیل و همکاران^۴ (۲۰۰۹)، در بررسی خود نشان دادند که تحصیلات، دسترسی به خدمات ترویجی و اطلاعات، مالکیت اراضی به درک بیشتر اهمیت کشاورزی پایدار منجر می گردد و سازمان های ترویج با تمرکز بر این موارد می توانند نگرش قابل

¹ Souza et al

³ CADE

⁴ Tatlidil



قبول تری را نسبت به پایداری در کشاورزان ایجاد کنند. ولایتی و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه ی تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کارآفرینی نشان دادند که مهم ترین عاملی که موجب توسعه پایدار روستایی شده است، عامل اقتصادی و فردی می باشد. به طوری که با بالا رفتن میزان تسهیلات دریافتی از قبیل وام های خود اشتغالی، منابع مالی لازم و کافی، تنوع شغلی موجب افزایش انگیزه و روحیه فردی در جهت توسعه و گسترش کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه شده است. آلفرد و همکاران^۵ (۲۰۰۹)، در پژوهش خود به شرح و بررسی توسعه پایدار پرداختند. طبق این پژوهش توسعه پایدار دارای سه رکن اصلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست-محیطی می باشد و از این رو جوامع و سازمانها به منظور نیل به توسعه پایدار باید توجه به محیط زیست را در اولویتها و برنامه های خود قرار دهند چون بدون حمایت و حفاظت از محیط زیست دسترسی به توسعه پایدار غیرممکن بوده و مدیریت محیط زیست راهکاری برای سازمانها برای دستیابی به مزیت رقابتی در بازار جهانی می باشد.

جمع بندی

هدف اصلی این تحقیق مطالعه ی نقش دولت در توسعه ی پایدار کشاورزی با رویکرد کارآفرینی بوده است. برای رفع موانع توسعه پایدار کشاورزی بایستی همه ی سازمانهای دولتی و غیردولتی به این مقوله توجه جدی نمایند. این امر جز با توانمندسازی بهره برداران، بهینه سازی ترکیب منابع، توسعه فناوری های سازگار و فراهم سازی تسهیلات و زیرساخت های مورد نیاز محقق نخواهد شد. از این رو جوامع و سازمانها به منظور نیل به توسعه پایدار باید توجه به محیط زیست را در اولویتها و برنامه های خود قرار دهند چون بدون حمایت و حفاظت از محیط زیست دسترسی به توسعه پایدار غیرممکن بوده است. با توجه به مطالعات انجام شده باید اقداماتی از سوی سازمانهای دولتی صورت گیرد که شامل:

- نیاز به بازتعریف رابطه و پیوند بین بخشهای دولتی، خصوصی، بهره برداران و تشکلهای است تا مشارکت و همکاری را بین کلیه افراد و گروه های مدنظر، از سطح محلی تا ملی وجود داشته باشد؛ چرا که توسعه پایدار به خصوص، در بخش کشاورزی زمانی اتفاق می افتد که مشارکت و همکاری وجود داشته باشد.
- سازمانهایی مانند جهاد کشاورزی، سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و ... در این حوزه با برگزاری سمینارهایی در زمینه توسعه پایدار کشاورزی در سطح روستاها به ارائه راهکارهایی برای تسهیل راه اندازی کسب و کارهای کشاورزی پایدار

⁵.Alfred et al



- بپردازند، همچنین در چنین نشست هایی از کارآفرینان کشاورزی که در زمینه کشاورزی ارگانیک فعالیت داشته اند دعوت به عمل آید که از نظرات آنها استفاده شود.
- ایجاد مدارس و هنرستان های کشاورزی در مناطق روستایی در جهت بالا بردن آگاهی و دانش جوانان روستایی در زمینه کشاورزی پایدار و کمک به ارتقای فرهنگ کارآفرینانه در جوانان در مدارس و از همان سنین ابتدایی، جهت هدایت آنها به سمت کشاورزی پایدار در روستاها. همچنین برگزاری دوره ها و کلاس هایی برای کشاورزان و سایر علاقه مندان، جهت آشنایی آنان با قابلیت ها و زمینه های به کارگیری کشاورزی پایدار، از سوی سازمان جهاد کشاورزی و سایر مراکز آموزشی فعال مربوطه.
 - ایجاد امکانی برای کشاورزان که بتوانند از نزدیک با کشاورزانی که در زمینه کشاورزی پایدار و کارآفرینانه فعالیت داشته اند آشنا شوند و از نقش مشاوره ای آنها استفاده کنند.
 - در نهایت پیشنهاد می شود سازمان جهاد کشاورزی به نقش نیروهای ترویجی و توسعه آن جهت ارائه خدمات مشاوره ایی به کشاورزان در جهت توسعه کشاورزی پایدار توجه بیشتری شود.

منابع

۱. خسروی پور، بهمن، دهقان پور، مجتبی. ۱۳۹۴. کارآفرینی در بخش کشاورزی از طریق ایجاد و گسترش مشاغل خانگی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد دوم، شماره سوم، ۶۱-۷۵.
۲. سعیدی، عباس، رستگاری، ابراهیم (۱۳۸۸)؛ اثربخشی طرح ها و پروژه های عمرانی در توسعه اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه های روستایی، مورد؛ روستاهای بخش وراوی، مجله جغرافیا، نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال هفتم، شماره ۲۲، ۴۸.
۳. سپه پناه، مرجان، موحدی، رضا. ۱۳۹۴. کارآفرینی پایدار رویکردی نو در کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد دوم، شماره اول، ۱۹-۳۶.
۴. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمدالله، رضوی، حسن. ۱۳۸۹. راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی، مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، ۱-۲۹.
۵. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، طاهرخانی، مهدی، سجاسی قیداری، حمدالله. ۱۳۸۸. تحلیل ابعاد و عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳، ۴۳-۷۲.



۶. ولاتی، محمد، عبدالهی، عبدالله، منافی آذر، رضا، صفری، نوید. ۱۳۹۴. تحلیل عوامل موثر بر توسعه پایدار روستایی با تاکید بر کارآفرینی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت آباد شمالی - شهرستان میاندوآب)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۴۹-۱۶۲.
۷. نجفی، بهمن، صفا، لیللا. ۱۳۹۳. بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش های توسعه آنها در مناطق روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره دوم، ۶۱-۷۳.
۸. مطیعی لنگرودی، حسن، قدیری معصوم، مجتبی، دادورخانی، فضیله، یداللهی فارسی، جهانگیر، ترکاشوند، زهرا. ۱۳۹۱. تبیین عوامل موثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش های زند و سامن شهرستان ملایر)، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، ۱۱۹-۱۳۸.
۹. کلاگر، پیمان، آقائی، مریم. ۱۳۹۳. بررسی نقش کارآفرینی کشاورزی در توسعه روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره اول، ۶۱-۸۳.
۱۰. فاضل بیگی، محمدمهدی، یاوری، غلامرضا. ۱۳۸۸. تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی، تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، ۴۱-۶۲.
۱۱. پیشرو، حمداله، عزیزی، پروانه. ۱۳۸۸. توسعه کشاورزی پایدار از طریق پایدارسازی درآمدهای کشاورزی، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم، ۱-۲۰.
۱۲. پاپ زن، عبدالحمید، شیری، نعمت اله. ۱۳۹۱. بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱، ۱۱۳-۱۲۶.
۱۳. عبدالله زاده، غلامحسین، شریف زاده، محمدشریف. ۱۳۹۳. تلفیق پایداری در فرآیند کارآفرینی: تبیین مفهوم، ضرورت و ملزومات کارآفرینی پایدارگرا و کسب و کار سبز، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره سوم، ۳۹-۶۳.
۱۴. شریف زاده، محمدشریف. ۱۳۹۳. کشاورزی پایدار کارآفرینانه: در جستجوی رهیافتی مقتضی برای تسهیل توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، جلد اول، شماره اول، ۱۰۳-۱۲۹.

15. Abotaleb, V. (2008): An introduction to current opportunities in investment and involvement in Iran country agriculture sector, Retrieved December 11, 2008, from.
16. CADE (2006), Phase 3: 2007 – 2012 Mission Statement Operating Principles Goals and Objectives; Center for Agricultural Development and Entrepreneurship Strategic Plan; Board of Directors October 2.
17. Bantel, K., Jackson, S. 2000. Top management and innovations in banking: does the composition of the top team maked difference. Strategic management journal, 7: 107-110.



18. Tatlidil, F. F., Boz, I. & Tatlidil, H. (2009). Farmers perception of sustainable agriculture and its determinants: A case study in Kahramanmaras province of Turkey. *Enviromental Development Sustainable*, 11, 1091-1106.
19. Souza, D. G., Cyphers, D. M., & Phipps, T. (1993). Factors affecting the adoption of sustainable agriculture practices. *Agricultural and Resource Economics Review*, 22(2), 165-170.
20. Hatirli, S. A., B. Ozkan, and K. Fert, (2005), An econometric analysis of energy input/output in Turkish agriculture, *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, Vol. 9, 608-623.